

گزارش تحلیلی حادثه موزه دانشگاه فردوسی مشهد

آواز سرخ | سلمان ساکت

۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۴

وقتی به فکر بیفتیم که دیر شده باشد؛ بگذریم که در مواردی هیچ وقت به فکر و اندیشه فرونرفته ایم و ضرر و زیانش را هم با پوست و گوشت و استخوان حس کرده ایم.

الف) موقعیت موزه دانشگاه فردوسی مشهد
موزه دانشگاه فردوسی مشهد در ضلع شمالی پردیس دانشگاه، حد فاصل در شمالی و خیابان باهنر قرار دارد. موزه از دو بخش اداری (قسمت شمالی ساختمان، شامل سه اتاق، سرویس بهداشتی و آشپزخانه) و بخش نمایشگاهی (قسمت جنوبی ساختمان) تشکیل شده است. پشت ساختمان، حد فاصل بخش اداری و نرده‌های شمالی دانشگاه، دو آلاچیق وجود

دارد که پیشتر هر دو انبار مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه بود و همان‌طور که در ادامه، اشاره خواهیم کرد، در سال ۱۴۰۳ یکی از آن دو آلاچیق به بانک رفاه واگذار شد.

ب) زمان آتش‌سوزی

آتش‌سوزی جمعه شب (۱۹ دی ماه) حدود ساعت ۲۲:۳۰ شروع شده و تا حدود ساعت ۲۴ به طول انجامیده است که در این ساعت با حضور دیرهنگام نیروهای آتش‌نشانی، فرایند مهار آتش شروع شده و سرانجام فرونشسته و خاموش شده است.

گفتنی است حدود نیم ساعت قبل از آتش گرفتن موزه، باجه بانک رفاه کارگران، که پشت ساختمان موزه و در مجاورت بخش اداری موزه قرار داشته، آتش گرفته بوده است.

پ) میزان آسیب

۱. بخش اداری موزه، شامل اتاق رئیس موزه/رئیس مرکز، اتاق کارشناسان، سرویس بهداشتی و آشپزخانه به‌طور کامل سوخته است.

۲. اتاق آرشیو (شامل بایگانی اسناد و اشیا)،



از شبی که موزه دانشگاه فردوسی مشهد گرفتار آتش شد و از صبحی که خاکستر برجا مانده از آن را برخی دیدند و خبر این حادثه دهان به دهان چرخید، تعداد زیادی از دوستان دور و نزدیک و حتی کسانی که نمی‌شناختمشان، از مشهد و شهرهای دیگر، تلفنی یا پیامکی، ناراحتی و دل‌نگرانی خود را ابراز می‌کردند و از چند و چون ماجرا و میزان آسیب و تخریب می‌پرسیدند.

آن روزها تا آنجا که می‌توانستم و شرایط اجازه می‌داد، پاسخ این عزیزان را می‌دادم، اما همان موقع تصمیم گرفتم تا در اولین فرصت که امکان حضور در فضای مجازی فراهم شد، از منظر خود ابعاد مختلف حادثه را توضیح دهم.

البته به‌خوبی می‌دانم که در شرایط فعلی کشور که غم و اندوه و اضطراب همه جا فراگرفته، شاید سخن گفتن از یک موزه دانشگاهی و حتی نهاد دانشگاه بی‌موقع ارزیابی شود، اما بر این باورم که همین امروز که از نظر زمانی به حادثه نزدیکیم، باید آن را بررسی و تحلیل کنیم، وگرنه ممکن است مانند ده‌ها و صدها مسئله بزرگ و کوچک دیگر در کشور و استان و شهر و دانشگاهمان،

ت) پیش از واقعه

۱. بی‌تردید وجود باجه بانک رفاه در مجاورت موزه دانشگاه، در آتش گرفتن موزه بی‌تأثیر نبوده است. چرا که اولاً حدود ۳۰ دقیقه قبل از آتش گرفتن بخش اداری موزه، باجه بانک رفاه به آتش کشیده شده است و ثانیاً بررسی محیطی و بازبینی دوربین‌ها نشان می‌دهد که اندکی بعد از آتش گرفتن موزه، یکی دو نفر شیشه‌های آلاچیق دوم را می‌شکنند و وقتی می‌بینند که داخل آن تعدادی وسایل قدیمی و کهنه وجود دارد، هیچ آسیبی به آن نمی‌رسانند.

سابقه طرح واگذاری یکی از آلاچیق‌های پشت ساختمان موزه - که انبار موزه و مرکز بوده - به بانک رفاه به اواخر دوره مدیریت من در مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه (زمستان ۱۴۰۲) باز می‌گردد، که آن زمان به هیچ روی زیر بار این تصمیم نادرست نرفتم چرا که معتقد بودم انبارهای موزه باید نزدیک آن باشد و از نظر امنیتی وجود باجه بانک در کنار موزه به صلاح نیست. متأسفانه پافشاری بر این کار، در دوره مدیر بعدی مرکز و موزه ادامه یافت و سرانجام به‌رغم مخالفت ایشان، با فشار مسئولان وقت دانشگاه، آلاچیق از موزه گرفته و به بانک رفاه واگذار شد.

به خاطر دارم در آن زمان با اینکه هیچ مسئولیتی نداشتم، به دیدار مدیر وقت بانک رفاه استان رفتم و او و همکارانش را از این تصمیم نادرست برحذر داشتم و گوشزد کردم که این جایابی برای بانک کاملاً نادرست است و نه از نظر امنیتی توجیه دارد و نه به دلیل دست‌اندازی به موزه، حس خوبی در دانشگاهیان برای همکاری با بانک رفاه و استفاده از خدمات آن ایجاد خواهد کرد.

جالب آنکه همان موقع در یادداشتی با عنوان «تصمیمی نادرست و خبری ناخوشایند» این کار را نابخردانه توصیف و تأکید کرده بودم که مسئولیت این تصمیم از یک سو بر

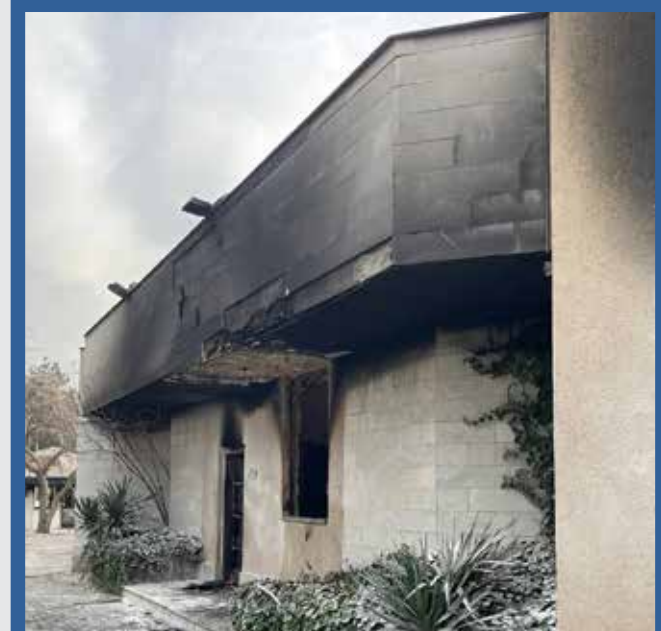
چون در طراحی آن هیچ پنجره‌ای تعبیه نشده بود، هیچ آسیبی ندیده است بجز سیاه شدن درکمدها، دیوارها و سقف در اثر دوده ناشی از آتش گرفتن دیگر اتاق‌ها.

۳. از آنجا که آتش به اتاق آرشیو سرایت نکرده است، هیچ یک از اسناد و اشیای نگهداری شده در این اتاق از بین نرفته و آسیب ندیده است.

۴. آنچه در تصاویر منتشر شده از سوختن کتاب‌ها و پرونده‌ها مشاهده می‌شود، عبارتند از یک دوره لغت‌نامه دهخدا، یک دوره مجله کلک، تعداد زیادی از شماره‌های مجله بخارا، تعدادی از شماره‌های مختلف مجله‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی و الهیات و معارف اسلامی؛ البته یکی دو پرونده برای بررسی و اسکن روی میز کارشناسان بوده که همان‌ها سوخته است (توضیحات تکمیلی را حتماً مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد منتشر خواهد کرد).

۵. خوشبختانه آتش به بخش نمایشگاهی موزه سرایت نکرده است، بنابراین به هیچ‌یک

از اسناد و اشیای به نمایش درآمده در موزه آسیبی نرسیده است.



ستاد بحران تشکیل می‌شد و امتحانات باید زودتر به تعویق می‌افتاد و نه روز جمعه که اینترنت قطع شده بود و خوابگاه‌ها زودتر تخلیه می‌شد، کاری ندارم؛ تنها در ارتباط با موزه دانشگاه آنچه به نظر رسیده است به اشتراک می‌گذارم:

۱. بعد از فرونشاندن آتش و دمیدن صبح، نباید به هیچ فرد عادی - اعم از دانشگاهی و غیر دانشگاهی - اجازه نزدیک شدن به موزه آتش گرفته را می‌دادند و هیچ‌کس نباید می‌توانست بدون مجوز اقدام به عکس برداری و فیلم برداری کند.

۲. بلافاصله باید کارگروهی ویژه رسیدگی به موزه بویژه برای چگونگی انتقال اشیاء و اسناد به محل امن تشکیل می‌شد.

۳. باید کارگروهی ویژه نحوه اطلاع‌رسانی واقعه تشکیل می‌شد تا نحوه پوشش خبری هوشمندان و بدون القاء حس بی‌اعتمادی به اهداکنندگان آثار و اسناد می‌بود. برای نمونه انتشار تصویری از روی جلد



عهدۀ مدیران وقت دانشگاه است که تصمیم گرفته‌اند و از سوی دیگر بر عهدۀ کارشناسانی است که تصمیم‌سازی کرده‌اند.

۲. به هنگام ساخت موزه بر تعبیه سیستم اطفاء حریق پافشاری می‌کردم، اما متأسفانه مدیران وقت معاونت اداری- مالی و اداره ساختمان به بهانه هزینه بالای خریداری و نصب، با آن موافقت نکردند و تنها به نصب سیستم اعلان حریق بسنده نمودند.

۳. پنجشنبه شب (۱۸ دی ماه) نرده‌های جلوی دانشکده هیات شکسته شده بود و برخی به داخل دانشگاه و حتی تا جلوی در ورودی دانشکده هیات آمده و البته بی‌هیچ‌گونه آسیب‌رسانی آنجا را ترک کرده بودند، از این رو روز جمعه نرده‌ها را تعمیر کردند و بازمانده نسخ خطی دانشکده هیات را به کتابخانه مرکزی منتقل نمودند.

با این شرایط آیا نباید روز جمعه پیش‌بینی می‌شد که ممکن است شب‌هنگام، بار دیگر کسانی به دانشگاه وارد شوند و آیا نباید تمهیدات لازم / کافی برای حفاظت بیشتر از دانشگاه و بویژه موزه دانشگاه فراهم می‌شد؟

آیا نمی‌شد با پیش‌بینی آتش گرفتن اماکن و درخت‌های دانشگاه، امکانات بیشتری برای مهار آتش‌سوزی‌های احتمالی از جمله استقرار یک ماشین آتش‌نشانی در نزدیکی ضلع شمالی دانشگاه (مثلاً میدان علوم) تدارک دیده شود؟

آیا نمی‌شد درو پنجره‌های موزه را با ورق‌های فلزی پوشانند تا از آسیب‌های احتمالی برکنار باشد؟

ث) بعد از واقعه
فعلاً به اینکه از اواسط هفته گذشته باید

خود در محل موزه حضور داشتم، با همکاری مدیر و همکاران کوشای مرکز - حتی یکی دو تن که همکاری آنان با مرکز و موزه قطع شده اما همچنان دل در گرو موزه دارند - همه اسناد به کتابخانه مرکزی و قسمت عمده اشیا به باشگاه مفاخر و پیشکسوتان منتقل شد. فرایند انتقال اشیا در روز یکشنبه کامل شد و از روز دوشنبه (۲۲ دی ماه) به بعد با کوشش و همت و دقت مثال زدنی، گردگیری، دوده زدایی و تعویض پوشش اشیایی که در اتاق آرشیو نگهداری می شد، انجام گرفت.

۲. پدافند غیرعامل در دانشگاه - دست کم در ارتباط با آتش گرفتن موزه دانشگاه - بهنگام و شایسته عمل نکرده است. بهتر است این حوزه مورد توجه جدی قرار گیرد.

۳. از قدیم گفته اند همه چیز را همگان دانند؛ شایسته است در دانشگاه، دست کم به هنگام بروز بحران های مختلف، ستاد بحران و کارگروه های مختلف تشکیل شود تا امکان استفاده از تجربه ها و اندیشه های مختلف فراهم گردد. اتکا فقط به خود، بویژه به هنگام بروز بحران، ممکن است نتایج غیر قابل جبرانی به بار آورد.

۴. کار از کار گذشته و بخش اداری موزه دانشگاه در آتش سوخته است، امروز بهترین راهکار برای جبران کاستی ها و کوتاهی ها از یک سو و برگرداندن حس اعتماد به دلبستگان موزه بویژه اهداکنندگان اشیا و اسناد از سوی دیگر، بازسازی سریع و البته اصولی موزه با رعایت همه ضوابط فنی، حفاظتی و زیباشناختی لازم است.

سلمان ساکت
۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۴

پرونده ای که سوخته بود (همان که در بند پ - ۴ به آن اشاره کردم) این تصوّر را در ذهن خوانندگان خبر ایجاد کرده بود که تمام آرشیو موزه و همه اسناد، طعمه حریق شده است، حال آنکه چنین نبوده است (البته یک یا دو روز بعد این تصویر با تذکر رئیس مرکز از سایت دانشگاه حذف شد).

۴. فعلاً به این کاری ندارم که چرا با وجود حضور چندباره وزیر علوم در یک سال اخیر در دانشگاه، وقتی او را به موزه برده اند که در آتش سوخته و بخش نمایشگاهی هم از اشیا و اسناد خالی شده است، اما دست اندرکاران باید دقت کافی را در تنظیم مصاحبه وزیر علوم به خرج می دادند تا ایشان با اشاره به کارنامه دکتر شفیعی کدکنی، امکان سوء استفاده برخی از خبرگزاری ها را فراهم نکند که بگویند همه اسناد موزه از جمله کارنامه استاد شفیعی کدکنی در آتش سوخته است.

اما چند نکته پایانی:

۱. از صبح تا عصر روز شنبه (۲۰ دی ماه) که

